از سنگ و نور، حکایتی از کاربری تازه در کالبد کهن

هتل پنج ستاره در عمارتی پانصد ساله

بهروز مرباغی

چگونگی برخورد با ابنیه و بافت قدیمی کشورمان، هنوز و همیشه، موضوع مهم بحث های کارشناسی است. چگونگی آوردن نشاط و شادابی به این بناها و بافت ها و جاری کردن زندگی امروزی در آنها، اصل مساله است. گاه و بیگاه، در جای جای کره خاکی تجربه هایی را در بازسازی و زنده سازی این بناها شاهدیم. برای اینکه، بحث و مساله پر خورد با این ابنیه، هم فراموش نشود و هم روانتر شود، این تجربه ها را باید دید، یا شنید و خواند. در آخرین نمونه ها، قصری است متعلق به قرن پانزده، که توسط آلساندرو آگراتی تبدیل به هتلی پنج ستاره و لوکس شده است. داستانش را بخوانیم.

قصر به یادگار مانده از قرن پانزده و حاکم نشین قرن هفده، امروزه هتلی است مدرن و امروزی در دل ساختمان های سفید برفی و گذرهای تاریخی «استونی» در ایالت «لچه» (آپولیا) ایتالیا. پروژه «کولتی» که اینک یکی از شاخص های بازار معماری است، تمام استعدادها و داشته های خود را ترکیب کرده تا کاملترین وجوه را برای زندگی امروزی و مدرن به نمایش بگذارد. این عمارت نامتعارف با تاریخ ناگشوده و اتاق ها وسالن های رمزآلود و تودرتوی خود، الهام بخش «آلساندرو آگراتی»، پایه گذار کولتی و مولف طرح «Sommita RelaisLa» شد تا هتلی پنج ستاره در فضاهای دلگشای آفتابی ایالت بسازد.

وقتی که «کولتی» به عنوان یک برند پایه گذاری شد که در زمینه لوازم و وسایل لوکس از قبیل مبلمان، پارچه، تزیینات و روشنایی مشغول بود، بازه ای پانزده ساله از سال ۱۹۹۰ بوجود آمد که باعث شد توجه طراح و مولف پروژه به این طرح بزرگ متمرکز شود. خود موقعیت بنا انگیزه بخش و محرک مورد: قصر قدیمی قرن پانزدهمی، توسط خانواده «پالمری» در مرتفع ترین تپه «استونی» و پشت کلیسای زیبای سبک باروک ساخته شده است. این موقعیت، هم به جهت استراتژی و هم به جهت زیبایی منظر انتخاب شده است. از پنجره های آن دشتی را می بینید پر از درختان زیتون و از بالا بر تپه های اطراف هم می شود ساحل آدریاتیک را دید. بخشی از ساختمان در اثر زلزله اوایل قرن هجده از بین رفت و بقیه به عنوان عمارت اعیان نشین مورد استفاده قرار گرفت. بعدها روی این عمارت یک طبقه دیگر با اتاق های لا بیرانتی اضافه شد که مستقیم روی اسکلت اصلی بنا قرارداده شده و با سنگ سفید ساخته شده است. بنا پلان سنگین و پیچیده ای دارد و معماری های دوره های مختلف را می توان در آن دید. راه حل های سازه ای و فضایی نیز پیچیده و نامتعارف است؛ پاسازها، راه پله های تنگ و گنگ، خروجی های گم، رواق ها وطاق بندی ها، سایه سازها و گشایش ها، حیاط مرکزی ها و فواره ها.

الحاقی ها بتکانیم!

آلسانرو آگراتی کوشیده است فضا و آنسمفر قصر را بازسازی کند. با تکاندن پوشش های قرن های پیش، او امکان یافت تا هم بنا را آزاد کند و هم فضا را. او قصر قدیمی را تبدیل کرده است به فضایی یگانه برای استراحت و لذت، که در آن تمام مبلمان، عناصر تزیینی و رنگ ها، همه و همه از بندی خاص هستند. به زیانی ساده، تک و یگانه بودن قصر و اعمال طرح بازسازی ظریف و حساب شده، آن را تبدیل به هتلی درکلاس لوکس کرده است. طبقه اول دارای سه اتاق بزرگ با دیوارهای سنگی و سقفی ستاره نشان است که فضای مناسبی برای صرف صبحانه است و نوش جان کردن غذا. کف و پله ها از سنگ مرمریت سفید با بن مایه صورتی فرش شده است که سابقه کامل و دقیقی دارد. با پلکانی از اتاق اول می شود به مخزن نوشیدنی ها رفت که سابق بر این و در زمان ساخته شدن قصر، فضایی بود با پوشش گلی برای نگهداری روغن زیتون استحصال شده. دو فضای مشابه همین فضا هم هست که تبدیل به فضای خدماتی شده اند. اینک در این فضا می شود شب را درزیر نورماه و همراهی روشنایی مناسب چراغ ها پشت میزهایی از چوب سخت بلوط نشست و شام خورد یا اگر مایلید می شود در لژها و اتاق های داخلی غذا صرف کنید. چراغ دیواری و سقفی سفید، کریستال های اعیانی و وسایل فلزی غذاخوری برای نوع غذاهایی که پیشنهاد می شوند و بر حسب سلیقه و مزاج مهمان عالیقدر به شکل ها و فرم های مقتضی مورد استفاده قرار می گیرند. آشپزخانه ساده وفکرشده مجموعه از محصولا تی استفاده می کند که در خود منطقه تولید می شود. روشنایی، به صورت گسترده و یکنواخت یا نقطه ای و موضعی، نوعی طراحی شده است که رمزآلودی فضا را بوجود آورد و فرم ها و حجم های قصه وار بنارا مخدوش نمایند.

تمام جرز و شکاف ها، در دیوارهای بیرونی یا داخلی، بین اتاق ها، در فضاهای شفاف جداشده با شیشه، با فلز صیقل خورده قاب بندی شده اند. تمام این عناصر به طرزی خاص طراحی و ساخته شده اند و در دل بنا فرو برده شده اند، مثل بازوهای پلکان ها. باغچه ها و مینیاتوری داخل بنا با درختانی از نارنگی، پرتقال و زیتون، با میز و صندلی و نیمکت های چوبی و پارچه ای در زیر آنها، با بالش هایی گلدوزی شده، فضای آشنای زندگی و داخلی خانه را با خود دارد. در کنار این حیاط مرکزی ها، باغ های بیرونی، گذرها و معابر، راه پله ها و پلکان ها، درخت تاریخی و یگانه نخل منطقه قرار دارد. این درخت بیش از ۳۰۰ سال عمر دارد و نماد خانواده «پالمری» بنیانگذار این قصر به شمار می رود.

اتاق خواب ها در طبقات بالا قرار دارند که هریک نیز پلان و فرم خاص خود را دارند. اتاق های ویژه با همان خصوصیت های یگانه شان بازسازی شده اند. تزیینات اضافی و الحاقی از سقف اتاق های عروسی برداشته شده اند. دیوارها با طیف ملایمی از رنگ صورتی رنگ شده اند که همخوانی با بن مایه سنگ ها هم داشته باشد. برخی از دیوارها یا قسمتی از آنها به همان رنگ و شکل تاریخی و یادگاری خود نگهداشته شده اند. آگراتی تلاش زیادی در انتخاب مصالح و متریال کرده است: تختخواب و کلگی ها اساسا از چوب خالص و طبیعی بلوط باید باشد و متکای ظریف طراحی شده ملحفه و روتختی و لحاف کاملا ساده با نقش رگه های سنگ کف و رنگ های گرم و آرامبخش انتخاب شده اند. هم یگانه با اطراف و هم جدا از آن. در حمام با درهای شیشه ای و پرده و آویزهای کنفی، از سنگ مرمریت و روشنایی ملایم استفاده شده است. حوله و روبدوشامبر هم با رنگ های روشن و با بن مایه خاکستری خودرا با این هارمونی، می آمیزند. تجهیزات و مبلمان چوبی، از جوب بلوط و با فرم و شکلی مدولا ر و قابل استفاده در تمام فضاها طراحی و اجرا شده است و رنگ ملایمی دارد.

کاشی های مرثیه

ملیحه مهدی آبادی

بخش نخست

در فرهنگ لغت دهخدا، «تکیه لفظ عربی است به معنای پشت به چیزی گذاشتن، مکان بودن فقرا، خانقاه و منزل درویش و فقرا، همچنین جایی که معمولاً به مسافران فقیر یا افرادی که توصیه شده باشند، بلاعوض پذیرایی کنند.» امروزه، اصطلاحاً به حسینیه که در آن روضه می خوانند یا جای تعزیه خوانی و روضه خوانی گفته می شود که جمع آن تکایا می باشد. این گونه اماکن، علاوه بر آن که حرمت و قداست خاص خود را دارد، احکام مخصوص مساجد را ندارد بنابر این، محدودیت حضور در آن مثل مسجد نیست. هر چند تاریخ دقیق شکل گیری تکیه معلوم نیست، ولی در خصوص کیفیت شکل گیری آن گفته اند که تکیه ابتدا محل اجتماع درویش و فقرا بود که رایگان در آن جا اقامت موقت داشته اند. محافظان و نگهبانان آن (تکیه داران) از جوانمردان بودند و آداب و رسومی خاص داشتند که در «فتوت نامه ها» آمده است. رفته رفته تکیه به محلی برای عزاداری تبدیل شد و از زمان ناصرالدین شاه به بعد، تکیه به طور رسمی محل اجرای برنامه های عزاداری و نمایش های مذهبی شد. تکیه ها نقش مهمی در نهادینه کردن عزاداری در دوره قاجاریه ایفا کردند، به طوری که از فقیرترین مردم تا شخص شاه و صدراعظم در آن مشارکت شخصی می کردند و عزاداری بر امام حسین (علیه السلام) جلوه بارز همکاری نزدیک دربار قاجاری با مردم عادی بود. در این جا بود که تجمع های مذهبی گسترش یافت و در دوره فتحعلی شاه پر شکوه عزاداری و تعزیه افزوده و تکیه های ثابت برپا شد. در دوره محمدشاه نیز به علت علاقه شاه و وزیرش حاج میرزا آقاسی، مراسم عزاداری رونق گرفت و ساختن تکایا گسترش یافت. این تکیه ها را جماعتی از افراد خیر اندیش و نیکوکار می ساختند و معمولاً هم چند دکان و مغازه را برای نگهداری و مرمت تکیه ها و برقراری تعزیه وقف می کردند. ولی بیشتر تکیه ها بی موقوفه بود و اهل هر محل و گذر به همت و کوشش خودشان در روزهای عزاداری تکیه را به راه می انداختند. تکیه معاون الملک کرمانشاه، یکی از زیباترین و استثنایی ترین تکایای باقیمانده از دوران قاجار است و این ویژگی را مدیون کاشیکاری منحصر به فرد خود است که علاوه بر روایت و بازسازی صحنه واقعه کربلا که موضوعی بسیار مرتبط با ناست، به مضامین دیگری چون اسطوره، حماسه، و تاریخ پرداخته و در واقع دایره المعارفی تصویری از سنن، اعتقادات و عقاید مذهبی، ملی و اسطوره ای، در قالب قصص قرآنی و داستان های شاهنامه و نمایش تصاویری از رجال سیاسی معاصر بنای تکیه و غیر معاصر پرداخته و این همه را به نحو ظریف و دلپذیری به هم پیوند داده است.

موقعیت مکانی و سرگذشت و بانی بنا

تکیه معاون الملک در خیابان حداد عادل در بافت قدیمی کرمانشاه و در محله برزه دماغ واقع است. ساخت بنا به سال ۱۳۲۰ باز می گردد. در آن سال، حسین خان معین الرعایا برادر بزرگ معاون الملک چهار حوض حمام حسن خان را جهت احداث حسینیه خریداری می نماید.

مساحت حسینیه قدیمی به اندازه حسینیه کنونی تکیه بوده و با آئینه کاری تزئین شده بود. در سال ۱۳۳۷ ه.ق، حسینیه قدیمی توسط مخالفین خانواده معاون در جریان درگیری های سیاسی و قومی این خانواده و خانواده های دیگر شهر به طور کامل تخریب می شود. در همان سال حسینیه کنونی در جای حسینیه قدیمی تجدید بنا و این بار با گچبری و نقاشی تزئین می گردد. به دلیل کشته شدن حسین معین الرعایا توسط مخالفین در چهارسوی بازار تاریخی کرمانشاه، گسترش بنای تکیه توسط حسن خان معاون الملک انجام می پذیرد و بجای گچبری و نقاشی، دیوارهای حسینیه با کاشی تزئین می شوند. به همین منظور، حسن خان حسن کاشی پز تهرانی را با کارگران و خانواده هایشان به کرمانشاه دعوت می نماید و ساخت کاشی های تکیه آغاز می شود. و از آن پس این بنا به تکیه معاون الملک شهرت می یابد. در سال ۱۳۳۶، جهت گسترش بنا زمین های زیتیه و عباسیه خریداری می شود و کار گسترش و ساخت بنا تا سال ۱۳۴۵ ه.ق همچنان ادامه می یابد. در اواخر عمر حسن خان و به دلیل تغییر حکومت قاجار به پهلوی و از دست دادن موقعیت حاکمیتی حسن خان دوران فترت و ویرانی بنا آغاز می شود. چون مراقبت و نگه داری بنا هزینه های زیادی به بانی بنا تحمیل می نمود، به پیشنهاد دو تن از روحانیون و معتمدین شهر، بخش عباسیه تبدیل به مدرسه علوم اسلامی گردید و مدت بیست سال همچنان به صورت مدرسه باقی ماند. پس از مرگ حسن خان، بنا رها شد و محل عبور و مرور مردم محله گردید. در این زمان بسیاری از کاشی ها به سرقت رفت و ویرانی بنا سریعتر گردید تا اینکه در سال ۱۳۵۲ این اثر با توافق خانواده معاون به اداره فرهنگ و هنر واگذار گردید و در فهرست آثار ملی نیز به ثبت رسید.

فضاهای معماری تکیه

فضاهای تکیه معاون الملک براساس وضع موجود از چهار قسمت تشکیل یافته است که به ترتیب عبارتند از: «صحن ورودی»، «حسینیه»، «زینبیه» و «عباسیه». تکیه دارای سه در ورودی می باشد که در اصلی آن به خیابان شهید حداد عادل باز می شود. دو در ورودی دیگر که در عباسیه واقعند به ترتیب به کوچه های ایلخانی و معاون باز می شوند. فضای ورودی، پس از پایین رفتن از ۱۸ پله از کف خیابان حداد عادل، فضای ورودی تکیه پیش رو قرار می گیرد. در سمت راست، پله سقاخانه قرار دارد که پنج ضلعی و لچکی آن با کاشی های زیبایی تزئین شده اند که صحنه آب طلبیدن حضرت سکینه از حضرت عباس را به تصویر در آورده. پس از سقاخانه زیر دالانی است که تا سال ۱۳۷۲ ه.ش راه ورودی کوچه ایلخانی به کوچه های دیگر بوده است و اکنون مکانی برای پخت و پز و توزیع نذورات می باشد. در کنار این زیر دالان، در ورودی حمام حسن خان قرار دارد که با تصویر شیر و خورشیدی بر سر آن، زینت یافته است. دو مغازه که اکنون کاربری خود را از دست داده اند در انتهای این ضلع واقعند و طبقه فوقانی نیز قرائت خانه قرآن است.

سلیقه شما چیست؟

افرا مرباغی

سمینار معماری و سلیقه روز یکشنبه ۲۸ بهمن، در تالار بتهوون خانه هنرمندان برگزار شد. این سمینار توسط «مرکز معماری ایران» و به همت دکتر کامران افشارنادری برگزار شد. در این سمینار از شخصیت های برجسته ای همچون مهندس ایرج کلانتری و مهندس رضا دانشمیر دعوت شده بود تا سخنرانی کنند و تجربیات خود را در اختیار حاضران بگذارند. برنامه از دو بخش تشکیل شده بود. در بخش اول هر یک از سخنرانان نکاتی را در این مورد ارائه کردند و در بخش دوم اعضای پانل به صورت دیالوگ با یکدیگر و پرسش و پاسخ حاضران، سمینار را ادامه دادند. در بخش اول سمینار ابتدا مقدمه ای (نمایشنامه ای) از تفکرات یک دانشجو که در کلاس درس با سلایق مختلفی روبرو است، حتی با سلایق مختلف استاد و استادیار در یک کلاس و تلاش او در جهت تامین خواسته های مختلف در طراحی اش، بیان شد، سپس دکتر افشار نادری راجع به لزوم برگزاری این جلسه نکاتی را ذکر کرد. او در سخنان خود با اعلام اینکه سلیقه در معماری کاملا متفاوت از سلیقه در سایر امور همچون آشپزی و... است، تصمیم داشته به این نکته که حتی وقتی شما انتخابی بر اساس سلیقه صورت می گیرد، در واقع بر اساس یک سری اصول منطقی و استدلالی است، نه با حس عاطفی و سلیقه ای و زیبا شناختی؛ در واقع سلیقه را در طراحی و پایه عبارت دیگر سلیقه ای کار کردن را نفی کرد. وی اظهار داشت که معمار چون دارد چیزی ایجاد می کند و در واقع به جای بقیه هم دارد اعمال سلیقه می کند، نباید سلیقه را با عواطف و امیال مزاجی خویش قاطی کند. مهندس کلانتری هم در سخنان خود به خواندن مقاله ای از پل گراهام که در فوریه ۲۰۰۲ نوشته شده بود، پرداخت و به نکاتی درباره طراحی های خوب اشاره کرد. مهندس دانشمیر هم با اشاره به اینکه در جوامع اولیه سلیقه افراد در واقع سلیقه رهبر آن جامعه بوده است و بعد از رنسانس بود که هر کسی می توانست بگوید من می خواهم که چیزی، چه شکلی باشد و در واقع سلیقه از رنسانس شکل گرفت، به ایراد سخن خود پرداخت.

سلیقه در معماری نقش دارد؟

در کل سمینار آنچه که مشهود بود، اختلاف نظر و شیوه در واقع اختلاف «سلیقه» اعضای پانل بود که البته باعث جذابیت سمینار شد. در بخش دوم برنامه هم، بحث های جالب و البته گاهی هم جنجالی، بین سخنرانان صورت گرفت. مهندس کلانتری تاکید خاصی بر نقش سلیقه در طراحی داشتند و با ذکر این مثال که اگر پروژه ای با فرضیات کاملا مشخص به ۱۰ نفر داده شود و ۱۰ طرح مختلف هم به شما رجاع داده شود تا شما یکی را انتخاب کنید، در حالیکه تمام طراحی ها کلیه اصول و فرضیات را رعایت کرده اند و شما یکی را بر می گزینید؛ این انتخاب کردن به دلیل سلیقه شماست. در این مورد دیگر اعضای پانل نظرات متفاوتی داشتند. مهندس دانشمیر به متفاوت بودن شیوه کاری خودشان اشاره کردند و دکتر افشارنادری هم اظهار داشتند که حتی در این موارد هم با دلیل و منطق خاص خود، طرحی را انتخاب می کنند. به هر صورت باز هم سمیناری برگزار شد. سمیناری با حضور جند تن از معماران برجسته امروز ایران. نکته مثبت این سمینار که نمی دانم تصادفی بوده است یا از پیش تنظیم شده، اختلاف نظرات اعضای پانل بود که امکان شنیدن دیدگاه های متفاوت را درباره یک موضوع برای حاضران به جای تائید و تعریف و تمجید سخنرانان از یکدیگر را فراهم می کند.

معمار جوان

پارک شفق و فرهنگسرای دانشجو

انسیه قربان نژاد

«شارستان»، یا «جامعه مهندسان معمار جوان» از معدود تشکل های معماری است که خوشبختانه فعال است. این انجمن به صورت مرتب بازدیدهایی از بناها و اماکن شهری برای اعضای خود ترتیب می دهد و در این بازدیدها معمار پروژه یا بالا خره کسی که اطلاعات دقیق از آن دارد، بازدیدکنندگان را با ریزه کاری های معماری بنای مورد بازدید آشنا می کند. تا کنون، تا آنجا که اطلاع داریم، بازدیدهایی از برج میلاد، برج آزادی، متل لا له، موزه فرش و بسیاری جاهای دیگر انجام شده که گاهی گزارشش را هم برای ما فرستاده اند. این هم گزارشی از بازدید معماران جوان از «پارک شفق».

***

پارک و فرهنگسرای دانشجویی یکی از پارک های موفقی است که در منطقه شش تهران و در محله یوسف آباد قرار دارد. جالب است بدانید هدف های اصلی طراحی پارک و ایجاد فضای سبز را می توان در چند موضوع زیر خلاصه کرد:

- احداث پارک به منظور بهسازی محیط زیست که ضرورت احداث پارک در نقاط پر تراکم شهرهای بزرگ را مشخص می نماید
- احداث اماکن مخصوص بازی کودکان و نیاز زندگی آپارتمان نشین امروز به امکان بازی در فضای باز، دویدن و استنشاق هوای تازه
- ایجاد مکانی برای گردهم آمدن افراد مختلف جامعه برای نزدیکی افراد جامعه در پارک، تبادل احساسات و درک نیازهای یکدیگر که این پارک در سطح بالا یی توانسته است این نکات مثبت را در کنار هم جمع کند و تعداد استفاده کنندگان آن در هر ساعت روز تایید کننده این ادعاست.

این پارک به سبک فرانسوی به دست معمار ایرانی کامران دیبا ساخته شده است. سال ها در فرانسه، فرانسویان سبک خاصی برای تزیین باغ های خود داشتند. درختان و درختچه ها را به اشکال مختلف هرس کردند و درختان را نزدیک به یکدیگر می کاشتند و به شکل دیوار هرس می کردند. از خواص مشترک بیشتر باغ های فرانسوی نظم و ترتیب آنها بود. باغ های وسیع را به قسمت های کوچک تری تقسیم کرده و این قسمت ها را به یکدیگر مربوط می ساختند.

دیبا یکی از معماران صاحب سبک ایرانی است که لیسانس معماری خود را از دانشگاه هاروارد گرفت و طراحی این پارک را یکی از سوغاتی های تحصیل خود در آمریکا می داند. بخشی از مهمترین و معروفترین ساختمان های او، موزه هنرهای معاصر ایران، فرهنگسرا و

پارک نیاوران و پارک شفق است. وی علاوه بر برشته معماری تحصیلاتی، نیز در جامعه شناسی دارد و این امر ویژگی هایی به وی دریافتش ازمعماری برای جامعه ای ایرانی داده است که کارهای او را از جهت شکل و محتوا شاخص می سازد. در دوران فعالیتش در ایران، فقط به ایجاد بناهایی پرداخت که کار برد اجتماعی و مردمی دارند. به تلفیق سنت های بومی با نیازهای جامعه بشری مدرن علاقمند است و این حس را در انواع طرح ها و سازه هایش به ثبت رسانده. کارهای او به خاطر ترکیب معماری مدرن با سنت های آشنای بومی، اعضای منحصر به فردی دارند. استراحتگاه تابستانی در شهسوار (تنکابن)-پارک پشت سد سفیدرود-فرهنگسرای نیاوران-مرکز تجاری گلستان شهرک غرب-نمازخانه پارک لاله-باغ دلگشا (نارنجستان) شیراز-مجموعه ادارات دولتی اصفهان-پروژه باغ -آپارتمان الهیه-پروژه موزه جنگ تهران-پروژه باغ مجسمه (اجرا نشده).

پارک، جزیی از زندگی مردم

پارک شفق و فرهنگسرای دانشجو (۱۳۴۵.۴۸) در خیابان سید جمال الدین اسد آبادی، خیابان ۲۱ قرار دارد. بانی آن دکتر رضازاده شفق می باشد که در باغی متعلق به مستوفی الممالک و با الگوی پارک های فرانسه احداث گردید. پارک شفق در محله یوسف آباد تهران و در محل انباشت زباله های آن محله ساخته شد. دیبا در طراحی آن به عوارض زمین توجه بسیار داشت و سعی بر این کرد که از همان فرو رفتگی ها و بیرون زدگی های سطح زمین استفاده کند. برای مثال قسمت پست و فرو نشسته زمین را به محل بازی بچه ها اختصاص داد و از تپه ای که در محل موجود بود برای اجرای سرسره ای ایمن برای بچه ها استفاده کرد. این پارک را پارک های موفقی است که جزو زندگی مردم شده است و با توجه به مسیر عبور افراد ساکن محل، به گونه ای طراحی شده که از ۴ گوشه پارک بشود از آن عبور کرد و چشم اندازهای آن را دید. دیبا با پارک شفق، رفتارهای متقابل و کنش بین انسان و طبیعت را افزایش داد.

یکی از نکات قابل توجه در این پروژه، توجه به ساختمان قدیمی و خراب نکردن آن و نیز استفاده از معماری آن در طرح مجموعه است و این نوعی ابراز خضوع نسبت به کاری است که در گذشته اجرا شده. مجسمه های موجود در پارک شفق به دست توانای آقای پرویز تناولی ساخته شده اند و به گفته خود دیبا، پارک شفق اولین جایی در جهان است که در آن از مجسمه هایی با مقیاس ۱/۱ استفاده شده است.

دیبا به مدل میدان های ایتالیا با توجه به جنب و جوش موجود در آنها بسیار علاقمند بود و در این کار نیز به این موضوع توجه خاص نشان داده و اقدام به ایجاد فضاهایی برای تجمع افراد کرد.

البته در سال های اخیر، بدون توجه به طرح اصلی پارک، اقداماتی همچون سبز کردن نوار بالای ساختمان های پارک که برخلاف نظر معمار باعث جدایی ساختمان و آسمان در خطی ممتد شده است و می توانست از فلز گالوانیزه به صورت نامحسوس استفاده شود و همینطور آبی کردن نیمکت ها، سطل های زباله و حتی کف حوضچه آن را که با الهام از ظروف زیرخاکی قدیمی ساخته شده بودند انجام نگرفته است که باعث از بین رفتن بعضی از زیبایی های پارک شده است و با طرح پارک هماهنگی ندارد.

هر چند نباید بسیاری از عملیات های مرمتی از جمله تعمیر کف سازی ها و اضافه شدن هماهنگ قسمتی به سالن نمایشگاه را توسط مهندس نورکیهانی و همکارانش نادیده گرفت که به نحو مطلوبی اجرا شده و کمترین تغییر را در حجم و شخصیت اولیه بنا وارد کرده است.

سالن آمفی تئاتر فرهنگسرای شفق نیز (با صندلی های طراحی شده برای معلولان) و سالن نگارخانه آن میزبان برنامه های مختلفی مانند دهمین جشنواره سراسری موسیقی فجر و نیز نمایش عروسکی بوده است. کلاس هایی برای آموزش قرآن، طراحی، گرافیک، نقاشی آبرنگ و رنگ روغن، خوشنویسی، عکاسی، سفالگری، مجسمه سازی، مینیاتور، کامپیوتر، موسیقی سنتی ایران و قالیبافی در آن دایر است که در هر دوره آموزشی، گنجایش پذیرش ۲۰۰ نفر را دارد. توسعه این فرهنگسرا ادامه دارد و فیلم خانه، چای باغ و فروشگاهی برای عرضه ابزار نقاشی و موسیقی در آن در دست ساختمان است. این پارک و فرهنگسرا نمونه خوبی از پارک ها و بوستان های محلی است که بارها مکان گردهمایی هنرمندان، ادب دوستان و معماران قرار گرفته است و امسال نیز به مناسبت دهه فجر مهندسان معمار جوان شارستان روزی را به بازدید از آن اختصاص دادند و این بازدید با کوركی زدن معماران جوان از قسمت های مختلف و زیبای این پارک به پایان رسید.